

چکیده

Abstract

Digital currencies and the metaverse, as emerging phenomena in the world of technology, play a significant role in shaping the digital economy. These two innovative technologies have not only transformed traditional economic systems but have also raised numerous legal and jurisprudential challenges, making the examination of their legitimacy within the framework of Islamic jurisprudential principles an undeniable necessity. Therefore, legitimizing digital currencies and metaverse transactions requires a thorough analysis of Shariah principles, including asset validity, the elimination of uncertainty (gharar), and adherence to economic justice. Although digital currencies possess rational value and have gained widespread acceptance, the volatility of their prices and the absence of clear regulations are among the key challenges complicating their jurisprudential and legal legitimacy. The findings of this study indicate that the use of technologies such as blockchain and smart contracts can enhance transparency and security in transactions while mitigating potential uncertainties and risks. Furthermore, a comparative analysis of the successful experiences of Islamic countries such as the United Arab Emirates and Malaysia in formulating regulations aligned with Islamic law demonstrates that establishing legal and jurisprudential frameworks for recognizing digital currencies and metaverse transactions within Iran's legal system is also feasible. These frameworks can, while addressing jurisprudential and legal challenges, provide a foundation for Islamic societies to benefit from the economic and social advantages of these emerging technologies.

Keywords: Cryptocurrencies, Metaverse, Means of Payment

ارزهای دیجیتال و فضای متاورس به عنوان پدیده‌هایی نوپهور در دنیای فناوری، نقش مؤثری در شکل‌گیری اقتصاد دیجیتال ایفا می‌کنند. این دو فناوری نوین، نه تنها نظام‌های اقتصادی سنتی را دگرگون کرده‌اند، بلکه چالش‌های حقوقی و فقهی متعددی را نیز ایجاد کرده‌اند که بررسی مشروعیت آن‌ها در چهارچوب اصول فقه اسلامی، ضرورتی انکارناپذیر است. از همین رو، مشروعیت بخشی به ارزهای دیجیتال و معاملات متاورسی، نیازمند تحلیل دقیق قواعد شرعی نظیر مالیت، رفع غرر و ابهام در معاملات، و رعایت عدالت اقتصادی است. اگرچه ارزهای دیجیتال به دلیل ارزش عقلایی و پذیرش عمومی، قابلیت تطبیق با قواعد فقهی را دارند، اما غرر ناشی از نوسانات قیمتی و فقدان مقررات شفاف از جمله چالش‌هایی است که مشروعیت فقهی و حقوقی این معاملات را با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با استفاده از فناوری‌هایی نظیر بلاک چین و قراردادهای هوشمند می‌توان شفافیت و امنیت معاملات را تضمین کرد و از ابهام‌ها و غررهای احتمالی کاست. علاوه بر این، بررسی تطبیقی تجربه‌های موفق کشورهای اسلامی مانند امارات متحده عربی و مالزی در تدوین مقررات منطبق با شریعت اسلامی، نشان می‌دهد که ایجاد چهارچوب‌های حقوقی و شرعی برای پذیرش ارزهای دیجیتال و معاملات متاورسی در نظام حقوقی ایران نیز امکان‌پذیر است. این چهارچوب‌ها می‌توانند ضمن رفع چالش‌های فقهی و حقوقی، زمینه‌ساز بهره‌مندی جوامع اسلامی از مزایای اقتصادی و اجتماعی این فناوری‌های نوین شوند.

کلیدواژگان: ارز دیجیتال، متاورس، وسیله پرداخت

۱. مقدمه

تحولات سریع فناوری در قرن بیست و یکم، زمینه ظهور پدیده‌هایی مانند ارزهای دیجیتال و متاورس را فراهم کرده است که هر یک تأثیرات عمیقی بر نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی بر جای گذاشته‌اند. ارزهای دیجیتال به عنوان یکی از نوآوری‌های بنیادین در عرصه مالی، مفهومی کاملاً متفاوت از ارزهای سنتی ایجاد کرده‌اند. این دارایی‌های غیر ملموس، مبتنی بر فناوری بلاک چین هستند و ویژگی‌هایی هم چون غیر متمرکز بودن، شفافیت و امنیت بالا دارند که آن‌ها را به ابزاری منحصر به فرد در اقتصاد دیجیتال تبدیل کرده است. ارزهای دیجیتال هم چنین قابلیت استفاده در تراکنش‌های بین‌المللی را دارند و به دلیل حذف واسطه‌ها، هزینه‌های مالی را کاهش می‌دهند. این ویژگی‌ها باعث شده است که ارزهای دیجیتال به عنوان یک ابزار مالی جدید، به سرعت در جوامع مختلف پذیرفته شوند و نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا کنند. از سوی دیگر، متاورس به عنوان یک فضای دیجیتال و مجازی که مرزهای فیزیکی را در تعاملات انسانی پشت سر می‌گذارد، بستری نوین برای انجام معاملات، برگزاری رویدادها، و تبادلات اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرده است. متاورس محیطی است که در آن کاربران می‌توانند از طریق آواتارهای دیجیتال، فعالیت‌هایی نظیر خرید و فروش دارایی‌های مجازی، حضور در جلسات کاری، و حتی آموزش‌های آنلاین را تجربه کنند. این فضای سه بعدی که از فناوری‌های پیشرفته مانند واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و اینترنت اشیا بهره می‌برد، پتانسیل تغییر شکل اساسی نحوه تعاملات انسانی و اقتصادی را دارد. با این حال، این نوآوری‌ها، همراه با فرصت‌ها، چالش‌های فقهی و حقوقی گسترده‌ای را نیز به همراه دارند. همزمان با گسترش این فناوری‌ها، مسائل حقوقی و فقهی مرتبط با آن‌ها نیز اهمیت بیش تری یافته است. در نظام حقوقی ایران و کشورهای اسلامی، پذیرش و انطباق ارزهای دیجیتال و معاملات در فضای متاورس با اصول شریعت اسلامی، چالش‌های متعددی ایجاد کرده است. فقه اسلامی، که بر مبنای اصولی هم چون مشروعیت مال، عدم وجود غرر و رعایت عدالت اقتصادی استوار است، نیازمند بازاندیشی و تحلیل دقیق برای بررسی مشروعیت این نوع معاملات است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا ارزهای دیجیتال می‌توانند به عنوان وسیله‌ای مشروع برای پرداخت در معاملات متاورس از منظر فقه شیعه پذیرفته شوند؟ علاوه بر این، بررسی قابلیت‌های فناوری بلاک چین و قراردادهای هوشمند در کاهش ابهام‌ها و تضمین شفافیت معاملات نیز در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد.

اهمیت این پرسش از آن جهت است که متاورس و ارزهای دیجیتال نه تنها به عنوان ابزارهای اقتصادی نوین، بلکه به عنوان ابزارهای تحول آفرین در نحوه تعاملات اجتماعی و اقتصادی عمل می کنند. این فضا، با از بین بردن مرزهای جغرافیایی، امکان تعاملات اقتصادی بین المللی را فراهم می آورد و فرصتی برای کشورهای اسلامی ایجاد می کند تا با بهره گیری از این فناوری ها، ضمن رعایت موازین شرعی، از مزایای اقتصادی و اجتماعی آن بهره مند شوند. از این رو، بررسی تطبیقی و تحلیل فقهی این موضوع می تواند به توسعه چهارچوب های حقوقی و فقهی هماهنگ با فناوری های نوین کمک کند. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به بررسی ابعاد مختلف ارزهای دیجیتال و متاورس از منظر فقه شیعه می پردازد و تلاش می کند تا ضمن تحلیل چالش های موجود، راهکارهایی برای انطباق این فناوری ها با اصول شرعی ارائه دهد. در این راستا، ابتدا مفاهیم پایه ای هم چون ارزهای دیجیتال و متاورس معرفی می شود. سپس، ابعاد حقوقی و فقهی مرتبط با مالیت ارزهای دیجیتال، غرر در معاملات و مشروعیت وسیله پرداخت بودن این ارزها بررسی می شود. در نهایت، تحلیل تطبیقی وضعیت حقوقی ارزهای دیجیتال در ایران و کشورهای اسلامی ارائه شده و پیشنهاداتی برای توسعه چهارچوب های حقوقی و فقهی در این زمینه مطرح می گردد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که ارزهای دیجیتال، با وجود چالش های موجود، در صورت رعایت اصول شرعی و تدوین مقررات حقوقی شفاف، قابلیت انطباق با شریعت اسلامی و استفاده در معاملات متاورسی را دارند. این یافته ها می توانند زمینه ساز تدوین سیاست های کلان و چهارچوب های عملیاتی برای استفاده از فناوری های نوین در محدوده شریعت اسلامی باشند.

۲. مبانی نظری

مبانی نظری این نوشتار بر پایه تحلیل دو مفهوم اصلی، یعنی "ارزهای دیجیتال" و "متاورس" و همچنین انطباق این مفاهیم با اصول فقه اسلامی استوار است. این بخش به توضیح ماهیت، ویژگی ها و جایگاه این مفاهیم در چهارچوب شریعت اسلامی و حقوق مرتبط می پردازد.

۱.۲ ارزشهای دیجیتال^۱

ارزشهای دیجیتال به عنوان یک نوآوری بنیادین در نظام مالی و فناوری، داراییهای دیجیتالی هستند که به صورت غیرمتمرکز و با استفاده از فناوری بلاک چین طراحی و مدیریت می شوند. این ارزشها به طور مستقیم بر بسیاری از مفاهیم اقتصادی، حقوقی و اجتماعی تأثیر گذاشته اند و ویژگیهای خاص آنها، جایگاه ویژه ای را در نظام های مالی مدرن به خود اختصاص داده است. برای بررسی ماهیت ارزشهای دیجیتال و ویژگیهای اصلی آنها، به نکات زیر توجه می کنیم.

۱.۱ مفهوم ارزش دیجیتال

ارز دیجیتال به عنوان یکی از نوآوریهای بنیادین در حوزه اقتصاد و فناوری، نوعی دارایی دیجیتالی است که به صورت غیرمتمرکز^۲ و مبتنی بر فناوری بلاک چین مدیریت می شود. این ارزشها، برخلاف ارزشهای سنتی که توسط دولت ها یا بانک های مرکزی کنترل و پشتیبانی می شوند، در بستر شبکه ای غیرمتمرکز از کاربران و سیستم های محاسباتی عمل می کنند (چیت سازیان و خورسندی، ۱۴۰۰: ۱۱۷). هدف اصلی ارزشهای دیجیتال، ایجاد یک ابزار مبادله کارآمد، شفاف و مستقل از نهادهای مالی سنتی است که بتواند تراکنشها را سریع تر و با هزینه کم تر انجام دهد. ارزشهای دیجیتال با استفاده از فناوری رمزنگاری پیشرفته ایجاد و مدیریت می شوند. این فناوری نه تنها امنیت تراکنشها را تضمین می کند، بلکه از تقلب و دستکاری در سیستم جلوگیری می کند. هر تراکنش با استفاده از الگوریتم های رمزنگاری تأیید و در بلاک چین ثبت می شود، که یک دفترکل عمومی و غیرقابل تغییر است. این شفافیت در ثبت و دسترسی به تراکنشها، اعتماد کاربران به این سیستم را افزایش داده و آن را به ابزاری مؤثر در اقتصاد دیجیتال تبدیل کرده است (اخوان، ۱۳۹۶: ۴۴).

یکی از ویژگیهای بارز ارزشهای دیجیتال، غیرمتمرکز بودن آنهاست. این بدان معناست که هیچ نهاد یا مقام مرکزی نمی تواند به طور مستقیم بر عملکرد آنها نظارت یا آن را کنترل کند. این ویژگی باعث شده که ارزشهای دیجیتال در برابر سانسور، تحریم های مالی و محدودیت های جغرافیایی مقاوم باشند. به همین دلیل، این ارزشها به عنوان ابزاری مناسب برای تراکنش های بین المللی و بدون واسطه شناخته می شوند (Boehm, 2014: 54). ارزشهای دیجیتال هم چنین دارای قابلیت برنامه ریزی هستند، به این معنا که می توان از آنها در قراردادهای

^۱ Cryptocurrencies

^۲ Decentralize

هوشمند استفاده کرد. قراردادهای هوشمند به کاربر اجازه می‌دهند تا شرایط خاصی را برای اجرای تراکنش‌ها تعریف کند که به‌طور خودکار و بدون نیاز به مداخله انسانی اجرا می‌شوند. این ویژگی، کاربرد ارزهای دیجیتال را در حوزه‌های مختلف از جمله مدیریت دارایی‌های دیجیتال، پرداخت‌ها و حتی صنایع بازی و سرگرمی افزایش داده است (Elwell, 2013: 21). از نظر اقتصادی، ارزش ارزهای دیجیتال معمولاً به عواملی مانند عرضه و تقاضا، کاربری‌های موجود و میزان پذیرش در بازار وابسته است. برخی ارزها مانند بیت‌کوین به دلیل محدودیت عرضه (۲۱ میلیون واحد)^۳ و پذیرش گسترده در بازارهای جهانی، ارزش قابل توجهی پیدا کرده‌اند. در مقابل، ارزهای دیگری نیز وجود دارند که به دلیل استفاده‌های خاص، مانند اتریوم در قراردادهای هوشمند، محبوبیت یافته‌اند (Luther, 2016: 398).

با این وجود، ارزهای دیجیتال با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند. نوسانات شدید قیمت، مصرف بالای انرژی در فرآیند استخراج، احتمال استفاده در فعالیت‌های غیرقانونی و نبود چهارچوب‌های قانونی جامع از جمله مسائلی هستند که توجه به آن‌ها ضروری است. این چالش‌ها می‌توانند اعتماد عمومی را تحت تأثیر قرار دهند و نیازمند تنظیم مقررات و قوانین مناسب برای مدیریت این پدیده هستند. تحلیل فقهی ارزهای دیجیتال از منظر اسلامی نیز بر ابعاد مختلفی تمرکز دارد؛ به‌عنوان مثال، مشروعیت این ارزها به‌عنوان وسیله مبادله، نبود غرر (ابهام) در معاملات مرتبط با آن‌ها، و قابلیت انطباق با اصول شریعت از جمله مسائلی است که باید بررسی شود (حسینی مقدم و فرزین‌فر، ۱۳۹۸: ۳۱). از منظر فقهی، اگر ارزهای دیجیتال ارزش واقعی داشته باشند، به‌عنوان دارایی عقلایی پذیرفته شوند، و در چهارچوب فعالیت‌های مشروع استفاده شوند، می‌توان آن‌ها را مطابق با اصول شریعت اسلامی دانست.

۲.۱.۲ چالش‌ها و محدودیت‌ها

ارزهای دیجیتال علی‌رغم ویژگی‌های منحصربه‌فرد و قابلیت‌های انقلابی خود، با چالش‌ها و محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند که هم در عرصه‌های فنی و اقتصادی و هم از منظر حقوقی و فقهی قابل توجه‌اند. این چالش‌ها از یک سو به دلیل ماهیت نوظهور و فناوری محور این ارزها و از سوی دیگر به دلیل نبود قوانین شفاف و جامع برای تنظیم استفاده از آن‌ها در جوامع مختلف پدیدار شده‌اند. بررسی دقیق این محدودیت‌ها برای

^۳ وبسایت سرمایه بازار رمزارزها، قابل دسترس در:

<https://coinmarketcap.com/all/views/all/> (last visit: 2025/1/22)

تحلیل قابلیت تطبیق ارزش‌های دیجیتال با اصول حقوقی و فقهی، ضروری است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های ارزش‌های دیجیتال، نوسانات شدید قیمت آن‌هاست؛ برخلاف ارزش‌های سنتی که ارزش آن‌ها به عوامل پایدار اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی، ذخایر ارزی و سیاست‌های پولی دولت‌ها وابسته است، ارزش ارزش‌های دیجیتال عمدتاً توسط تقاضای بازار و میزان پذیرش آن‌ها تعیین می‌شود. این وابستگی به رفتار بازار، موجب می‌شود که قیمت این ارزش‌ها در مدت کوتاهی دچار تغییرات قابل توجهی شود. چنین نوساناتی باعث می‌شود که ارزش‌های دیجیتال برای افرادی که به دنبال یک وسیله پایدار برای ذخیره ارزش یا ابزار مبادله هستند، مخاطره‌آمیز باشند (Middlebrook & Hughes, 2015:178). از منظر فقهی، نوسانات قیمتی می‌تواند موجب بروز غرر در معاملات شود، زیرا طرفین معامله نمی‌توانند به‌طور دقیق ارزش واقعی عوض و معوض را تعیین کنند (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۵۲/۳). چالش دیگر، مصرف بالای انرژی در فرآیند استخراج برخی از ارزش‌های دیجیتال است؛ فرآیند «ماینینگ»^۴ یا استخراج، به توان محاسباتی بسیار بالایی نیاز دارد که به مصرف برق زیادی منجر می‌شود. این مسئله نه تنها از نظر اقتصادی، هزینه‌بر است، بلکه از دید زیست‌محیطی نیز نگرانی‌های جدی ایجاد می‌کند. در برخی کشورها، مصرف بالای انرژی برای استخراج ارزش‌های دیجیتال، فشار زیادی بر شبکه‌های برق وارد کرده و باعث افزایش آلودگی کربنی شده است. از منظر اخلاقی و فقهی، این مسئله می‌تواند بر مشروعیت استفاده از ارزش‌های دیجیتال تأثیرگذار باشد، زیرا در اصول اسلامی بر حفاظت از محیط زیست و پرهیز از اسراف تأکید شده است (مرکز پژوهش‌ها، ۱۴۰۱: ۵).

نبود چهارچوب قانونی شفاف یکی دیگر از محدودیت‌های اساسی ارزش‌های دیجیتال است؛ در بسیاری از کشورها، قوانین مشخصی برای تنظیم و نظارت بر این ارزش‌ها وجود ندارد، یا رویکردهای متناقضی نسبت به آن‌ها اتخاذ شده است. این خلأ قانونی باعث می‌شود که برخی افراد یا سازمان‌ها از ارزش‌های دیجیتال برای فعالیت‌های غیرقانونی مانند پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم یا تجارت مواد مخدر استفاده کنند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۴). این مسئله از منظر فقهی و اخلاقی قابل تأمل است، زیرا استفاده از ابزارهای مالی در جهت اهداف نامشروع، مغایر با اصول شریعت است (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۲۷/۳). مشکل دیگری که در استفاده از ارزش‌های دیجیتال وجود دارد، مسئله هک و حملات سایبری است. علی‌رغم امنیت بالای فناوری بلاک‌چین، کیف پول‌های دیجیتال و صرافی‌های ارز دیجیتال اغلب هدف حملات سایبری قرار می‌گیرند. این موضوع موجب می‌شود که اعتماد کاربران به سیستم کاهش یابد و خطرات مالی قابل توجهی برای آن‌ها ایجاد

^۴ Mining

شود (Antonopoulos, 2017:83). از منظر فقهی، امنیت و اطمینان در معاملات یکی از اصول اساسی است و هرگونه احتمال تقلب یا از دست دادن دارایی‌ها می‌تواند مشروعیت معاملات را تحت تأثیر قرار دهد (طباطبائی یزدی، ۱۴۳۰: ۳۴۵/۲). یکی دیگر از چالش‌های ارزهای دیجیتال، عدم وجود پشتوانه فیزیکی یا دولتی برای آن‌هاست. ارزش ارزهای سنتی مانند دلار یا یورو معمولاً به ذخایر طلای یک کشور یا اعتبار دولت وابسته است، اما ارزهای دیجیتال چنین پشتوانه‌ای ندارند. ارزش آن‌ها تنها به توافق کاربران و میزان تقاضای بازار بستگی دارد (Zetzsche et al, 2020:173). این مسئله می‌تواند از دیدگاه برخی از فقها، تردیدهایی را در خصوص مالیت و مشروعیت آن‌ها ایجاد کند، زیرا در اصول فقه اسلامی، مال باید دارای ارزش ذاتی و ملموس باشد یا قابلیت تبدیل به دارایی‌های واقعی را داشته باشد (محبی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۳۵۵). در نهایت، یکی از مسائل کلیدی دیگر، استفاده سوداگرانه از ارزهای دیجیتال است؛ بسیاری از کاربران به جای استفاده از این ارزها به عنوان وسیله مبادله، از آن‌ها به عنوان ابزاری برای سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت یا سفته‌بازی استفاده می‌کنند (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷). این رویکرد می‌تواند شباهت‌هایی با قمار یا معاملات غرری داشته باشد که در شریعت اسلام ممنوع است. با این حال، اگر ارزهای دیجیتال در چهارچوب مبادلات مشروع و به عنوان ابزار واقعی پرداخت استفاده شوند، می‌توانند از این اتهامات مبرا شوند (صالح آبادی، ۱۳۸۵: ۶۱-۵۷).

تحلیل دقیق این چالش‌ها نشان می‌دهد که ارزهای دیجیتال برای پذیرش گسترده در جوامع اسلامی، نیازمند وضع مقررات حقوقی شفاف و تطبیق اصولی با شریعت اسلامی هستند. ایجاد چهارچوب‌هایی برای کاهش مخاطرات و تضمین شفافیت و مشروعیت این ارزها، می‌تواند به رفع بسیاری از چالش‌های مطرح شده کمک کند.

۲.۲ مفهوم متاورس و نقش ارزهای دیجیتال در تسهیل معاملات در این فضا

متاورس به عنوان یک فضای مجازی سه‌بعدی که کاربران می‌توانند در آن به تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بپردازند، به یکی از مفاهیم انقلابی در دنیای دیجیتال تبدیل شده است. این فضا با استفاده از

فناوری‌های پیشرفته‌ای نظیر بلاک‌چین،^۵ واقعیت مجازی^۶ و واقعیت افزوده^۷ ایجاد شده و مرزهای سنتی را در تعاملات انسانی و اقتصادی از میان برداشته است. در این فضا، ارزهای دیجیتال به‌عنوان ابزار مالی اساسی به کار گرفته می‌شوند و نقش مهمی در تسهیل معاملات، تبادل دارایی‌های دیجیتال و ایجاد اقتصاد دیجیتالی دارند. برای درک جامع از مفهوم متاورس و نقش ارزهای دیجیتال در آن، لازم است ابعاد مختلف این موضوع به‌طور مفصل و مستند بررسی شود.

متاورس به‌طور کلی به فضایی اشاره دارد که در آن کاربران می‌توانند از طریق آواتارهای دیجیتالی با یک‌دیگر تعامل داشته باشند و به خرید و فروش دارایی‌های دیجیتال نظیر زمین‌های مجازی، NFTها^۸ (توکن‌های غیرقابل تعویض) و سایر خدمات پردازند (Ball, 2022: 31). این فضا، ترکیبی از دنیای واقعی و مجازی است که با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، تجربیات تعاملی و شخصی‌سازی شده را برای کاربران فراهم می‌کند. برای مثال، کاربران در پلتفرم‌هایی مانند Decentraland یا The Sandbox می‌توانند زمین‌های مجازی خریداری کنند و با ارزهای دیجیتال مانند اتریوم^۹ یا مانا^{۱۰} معامله کنند (Kaplan & Haenlein, 2009: 564). ارزهای دیجیتال در متاورس به‌عنوان ابزار اصلی برای تسهیل معاملات عمل می‌کنند. این ارزها به دلیل ویژگی‌هایی نظیر غیرمتمرکز بودن، امنیت بالا، شفافیت و سرعت در تراکنش‌ها، به‌طور گسترده در این فضا پذیرفته شده‌اند. بلاک‌چین، به‌عنوان زیرساخت اصلی ارزهای دیجیتال، امکان ثبت و تأیید تراکنش‌ها را به صورت شفاف و غیرقابل تغییر فراهم می‌کند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که ارزهای دیجیتال به ابزاری قابل اعتماد برای خرید و فروش دارایی‌های مجازی در متاورس تبدیل شوند (شیرانی و طلاکش، ۱۴۰۰: ۱۷۷).

یکی از کاربردهای اصلی ارزهای دیجیتال در متاورس، خرید و فروش NFTها است. NFTها به‌عنوان دارایی‌های دیجیتال منحصر به فرد که مالکیت آن‌ها در بلاک‌چین ثبت می‌شود، امکان خرید، فروش و انتقال دارایی‌هایی مانند آثار هنری دیجیتال، آیتم‌های بازی و زمین‌های مجازی را فراهم می‌کنند. از منظر فقهی، مالیت و مشروعیت این دارایی‌ها به قابلیت استفاده و ارزش عقلایی آن‌ها بستگی دارد. اگر NFTها به‌عنوان

⁵ Blockchain

⁶ Virtual Reality

⁷ Augmented Reality

⁸ Non-Fungible Token (NFT)

⁹ Ethereum

¹⁰ MANA

دارایی‌هایی که مورد قبول عقلای جامعه هستند و ارزش اقتصادی دارند، پذیرفته شوند، می‌توان آن‌ها را مطابق با اصول فقه اسلامی دانست (یوسفی، ۱۳۹۹: ۴۷). علاوه بر این، قراردادهای هوشمند که بر بستر بلاک چین عمل می‌کنند، نقش مهمی در اجرای خودکار و شفاف معاملات در متاورس ایفا می‌کنند. این قراردادهای کاربران امکان می‌دهند تا بدون نیاز به واسطه، تراکنش‌های خود را انجام دهند و از طریق برنامه‌ریزی دقیق، شرایط معامله را به‌طور خودکار اجرا کنند (Fu et al, 2022: 3588). این ویژگی‌ها می‌تواند به کاهش غرر و ابهام در معاملات کمک کند و تطابق بیش‌تری با اصول شریعت اسلامی ایجاد کند (شمشیری و امیرآبادی، ۱۴۰۲: ۵۵).

۳. تحلیل فقهی ارزش‌های دیجیتال

ارزش‌های دیجیتال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های مالی قرن حاضر، چالش‌ها و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای نظام‌های حقوقی و فقهی ایجاد کرده‌اند. تحلیل فقهی این ارزش‌ها نیازمند بررسی جامع مفاهیمی چون مالیت، غرر، مشروعیت جهت معامله، و تعیین عوض و معوض است. از یک‌سو، ویژگی‌هایی نظیر شفافیت، امنیت، و امکان استفاده در معاملات بین‌المللی، ارزش‌های دیجیتال را به ابزاری نوین برای تبادل اقتصادی تبدیل کرده‌اند. از سوی دیگر، نبود پشتوانه فیزیکی، نوسانات قیمتی شدید، و احتمال سوءاستفاده از این ارزش‌ها چالش‌های متعددی را برای انطباق با اصول شریعت اسلامی ایجاد کرده است. هدف این تحلیل ارائه تصویری روشن از چگونگی انطباق ارزش‌های دیجیتال با اصول شریعت و چالش‌های پیش‌رو در پذیرش آن‌ها است.

۳.۱ مالیت ارزش‌های دیجیتال

مالیت ارزش‌های دیجیتال از منظر فقه اسلامی موضوعی بنیادین و چالش‌برانگیز است که باید با دقت به قواعد فقهی، اصول شرعی، و معیارهای اقتصادی تحلیل شود. مالیت در فقه اسلامی به معنای ارزشی است که از نظر عقلاً برای یک شیء وجود دارد و آن شیء قابلیت تملک و بهره‌برداری مشروع را داراست. به عبارت دیگر، هر چیزی که عقلای جامعه آن را ارزشمند بدانند و استفاده از آن به‌صورت مشروع ممکن باشد، از منظر فقهی دارای مالیت محسوب می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۹: ۴۷). این اصل در قاعده «ما یرغب فیه العقلاء فهو مال» متبلور است. یکی از معیارهای اصلی برای تشخیص مالیت، پذیرش عقلایی و استفاده عملی است (موسوی الخمینی،

۱۴۲۱: ۲۸۳/۱). ارزشهای دیجیتال در بسیاری از جوامع و بازارهای بین‌المللی به‌عنوان ابزار پرداخت،^{۱۱} ذخیره ارزش،^{۱۲} یا دارایی سرمایه‌گذاری پذیرفته شده‌اند. به‌عنوان مثال، بیت‌کوین و اتریوم، به‌عنوان دو ارز دیجیتال پرکاربرد، توسط بسیاری از کسب‌وکارها برای خرید کالاها و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرند. این پذیرش گسترده نشان می‌دهد که ارزشهای دیجیتال از منظر عقلایی ارزشمند تلقی می‌شوند و می‌توانند مال محسوب شوند (Bezovski, 2021: 45).^{۱۳} از منظر فقه اسلامی، مال باید قابلیت بهره‌برداری مشروع داشته باشد. اگرچه برخی افراد ممکن است از ارزشهای دیجیتال برای فعالیت‌های غیرمشروع (مانند پول‌شویی) استفاده کنند، این مسئله موجب عدم مشروعیت ذاتی ارزشهای دیجیتال نمی‌شود، زیرا استفاده از آن‌ها در معاملات مشروع و قانونی کاملاً ممکن است. بنابراین، همان‌طور که پول فیات ممکن است در فعالیت‌های غیرمشروع به کار گرفته شود، ارزشهای دیجیتال نیز چنین قابلیتی دارند، اما ذات آن‌ها مغایر با شریعت نیست (قوامی‌پور و محمودی، ۱۴۰۱: ۴۷). یکی از نقدهای رایج علیه ارزشهای دیجیتال، نبود پشتوانه فیزیکی یا دارایی ملموس برای آن‌هاست؛ در حالی که ارزشهای فیات نیز به‌طور فزاینده‌ای از پشتوانه طلا یا دارایی‌های فیزیکی فاصله گرفته‌اند، ارزش آن‌ها عمدتاً به اعتماد جامعه به دولت‌ها و بانک‌های مرکزی وابسته است (Knapp, 2013: 81). در مقابل، ارزش ارزشهای دیجیتال بر اساس توافق کاربران و تقاضای بازار تعیین می‌شود (Werbach, 2018: 25).^{۱۴} این مسئله ممکن است از منظر برخی فقها تردیدهایی درباره مالیت ارزشهای دیجیتال ایجاد کند، اما قاعده «ما یرغب فیه العقلاء فهو مال» نشان می‌دهد که پذیرش عقلایی می‌تواند جایگزین پشتوانه فیزیکی باشد (اکبرنژاد، ۱۳۸۹: ۲۵).

ارزشهای دیجیتال نه تنها به‌عنوان وسیله مبادله، بلکه به‌عنوان دارایی سرمایه‌گذاری و ابزار تسهیل تراکنش‌ها در فضای دیجیتال (مانند متاورس) مورد استفاده قرار می‌گیرند. این کاربردهای متنوع نشان‌دهنده ارزش عملی و اقتصادی آن‌هاست که مالیت آن‌ها را از منظر فقهی تقویت می‌کند (Bezovski, 2021: 45). علاوه بر این، قراردادهای هوشمند مبتنی بر ارزشهای دیجیتال، شفافیت و امنیت در معاملات را افزایش داده و احتمال تقلب یا

¹¹ medium of exchange (MoE)

¹² store of value (SoV)

^{۱۳} برای دیدن گزارش انتقادی در این زمینه بنگرید به گزارش روی شینفیلد با عنوان «دوگانگی کاذب بیت‌کوین میان ابزار پرداخت و ذخیره ارزش»، قابل دسترس در:

<https://medium.com/breez-technology/bitcoins-false-dichotomy-between-sov-and-moe-18e3f968a643> (last visit 2025/1/25)

^{۱۴} برای دیدن گزارش بانک تسویه‌حساب‌های بین‌المللی (BIS) درخصوص بررسی ریسک‌ها و مزایای ارزشهای دیجیتال در مقایسه با نظام‌های پولی سنتی، بنگرید به:

<https://www.bis.org/publ/arpdf/ar2021e3.pdf> (last visit: 2025/1/25)

غرر را کاهش می دهند (Fu et al, 2022: 3588). در تحلیل فقهی مالیت ارزهای دیجیتال، قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» نیز اهمیت دارد. این قاعده تأکید دارد که معاملات نباید موجب ضرر برای طرفین شوند. نوسانات قیمتی شدید و امکان هک یا از دست دادن دارایی های دیجیتال می تواند خطرات مالی برای کاربران ایجاد کنند، اما اگر این خطرات از طریق مقررات و فناوری های پیشرفته مدیریت شوند، مالیت و مشروعیت این ارزها حفظ خواهد شد (چیت سزایان و خورسندی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

از منظر حقوق ایران، ماده ۲۱۵ قانون مدنی بیان می کند که «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد». ارزهای دیجیتال با توجه به ارزش اقتصادی و قابلیت استفاده در معاملات، معیارهای این ماده را برآورده می کنند. لذا، اگر این ارزها در چهارچوب معاملات مشروع و قانونی به کار گرفته شوند، از نظر حقوقی و فقهی می توانند به عنوان موضوع معامله پذیرفته شوند.

۲.۳ غرر و ابهام در معاملات با ارزهای دیجیتال

غرر به معنای ابهام یا ناآگاهی در موضوع یا شرایط معامله، یکی از عوامل مهمی است که در فقه اسلامی موجب بطلان معامله می شود (علیدوست، ۱۳۸۹: ۹۵). این مفهوم با قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» مرتبط است که تأکید می کند معاملات نباید به ضرر طرفین انجام شوند (آذری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۱). غرر می تواند در معاملات دیجیتال، به ویژه در ارتباط با ارزهای دیجیتال، به دلایل مختلفی بروز پیدا کند و این موضوع نیازمند تحلیل دقیق و مبتنی بر قواعد فقهی است. در معاملات ارزهای دیجیتال، یکی از مهم ترین مواردی که ممکن است منجر به غرر شود، نوسانات شدید قیمتی است. ارزش ارزهای دیجیتال به طور عمده بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می شود و این وابستگی به رفتار بازار، موجب تغییرات ناگهانی و قابل توجه در ارزش آنها می گردد. برای مثال، ممکن است خریدار و فروشنده در زمان انعقاد قرارداد بر اساس یک قیمت توافق کنند، اما تغییرات سریع بازار منجر به تفاوت ارزش واقعی معامله در زمان اجرا شود. این مسئله می تواند موجب ضرر یکی از طرفین و عدم تعادل در معامله شود، که از منظر فقهی به عنوان غرر شناخته می شود (نجفی، ۱۴۰۰: ۲۲). از سوی دیگر، احتمال هک و از دست دادن دارایی های دیجیتال نیز می تواند عاملی برای بروز غرر باشد. ارزهای دیجیتال در کیف پول های دیجیتال ذخیره می شوند که ممکن است در معرض حملات سایبری قرار گیرند. اگر خریدار یا فروشنده به دلیل این گونه خطرات، از ارزش واقعی یا حتی وجود دارایی مورد معامله مطمئن نباشد،

معامله با ابهام همراه شده و ممکن است از منظر فقهی باطل شود (ارزانیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۸). در اینجا، استفاده از فناوری بلاک چین و قراردادهای هوشمند می تواند راهکاری برای کاهش غرر در معاملات ارزهای دیجیتال ارائه دهد. بلاک چین به دلیل شفافیت و قابلیت ثبت دائمی تراکنش ها، امکان نظارت و تأیید مستقل معاملات را فراهم می کند. قراردادهای هوشمند نیز با خود کارسازی اجرای شروط معامله، تضمین می کنند که طرفین تنها در صورت تحقق شرایط مورد توافق، ملزم به اجرای تعهدات خود می شوند (Fu et al, 2022: 3588). این ابزارها می توانند ابهامات مرتبط با ارزش گذاری و اجرای معامله را کاهش دهند و معامله را با اصول فقهی سازگارتر کنند.

از منظر فقه اسلامی، یکی دیگر از جنبه های مرتبط با غرر، عدم آگاهی یا اطلاعات کافی طرفین درباره ماهیت و شرایط معامله است. در معاملات ارزهای دیجیتال، عدم آگاهی از فناوری های مرتبط، پیچیدگی های امنیتی یا خطرات احتمالی می تواند منجر به تصمیم گیری نا آگاهانه و در نتیجه بروز غرر شود. این مسئله نشان می دهد که آموزش و اطلاع رسانی جامع درباره ارزهای دیجیتال و نحوه استفاده از آن ها برای کاهش ابهامات و تضمین مشروعیت معاملات ضروری است (محبی پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۳۵۷). قاعده «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْغُرْمُ» نیز در این بحث قابل استفاده است؛ این قاعده بیان می کند که هرگونه منفعت باید با پذیرش ریسک معقول همراه باشد. در معاملات ارزهای دیجیتال، در صورتی که طرفین معامله با علم به نوسانات قیمتی و سایر خطرات، معامله را بپذیرند، می توان گفت که غرر به حداقل رسیده و مشروعیت معامله تضمین شده است. با این حال، این پذیرش باید آگاهانه و بر اساس اطلاعات شفاف انجام شود (علوی قزوینی و مسعودیان زاده، ۱۳۹۳: ۷۶). در تحلیل حقوقی، ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران به عنوان معیار صحت معاملات، به لزوم رضایت طرفین، تعیین موضوع معین و مشروعیت جهت معامله اشاره دارد. ارزهای دیجیتال در صورتی که ارزش گذاری دقیق و شرایط مشخص داشته باشند و در چهارچوبی شفاف معامله شوند، می توانند با این ماده تطابق داشته باشند. این امر مستلزم تدوین مقررات دقیق برای تعریف ارزش و شرایط معاملات ارزهای دیجیتال است.

۴. ابعاد اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی متاورس و ارزهای دیجیتال

ابعاد اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی متاورس و ارزهای دیجیتال یکی از موضوعات مهمی است که در تحلیل نقش و تأثیر این فناوری ها باید مورد بررسی قرار گیرد. متاورس به عنوان فضایی مجازی که مرزهای فیزیکی را

پشت سر گذاشته و امکانات جدیدی را برای تعاملات انسانی فراهم کرده است، تأثیرات گسترده‌ای بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فرهنگی دارد (Ball, 2022: 262). ارزش‌های دیجیتال نیز که به عنوان ابزار اصلی مبادلات مالی در این فضا استفاده می‌شوند، مسائل اخلاقی و اجتماعی خاصی را به همراه دارند. یکی از موضوعات مهم در این زمینه، تأثیر متاورس و ارزش‌های دیجیتال بر هویت و ارتباطات انسانی است؛ متاورس به کاربران اجازه می‌دهد که از طریق آواتارهای مجازی با دیگران تعامل داشته باشند. این امر از یک سو می‌تواند فرصت‌هایی برای توسعه ارتباطات اجتماعی و افزایش تعاملات بین‌المللی فراهم کند، اما از سوی دیگر، ممکن است منجر به گسست ارتباطات واقعی و هویت‌زدایی از افراد شود. در این فضا، هویت کاربران می‌تواند از مرزهای جغرافیایی، زبانی و فرهنگی فراتر رود، اما خطراتی مانند سوءاستفاده از هویت‌های مجازی، بی‌اخلاقی‌های آنلاین و رفتارهای ناشایست نیز وجود دارد (Tegmark, 2018: 82).

از منظر اخلاقی، مسئله استفاده مسئولانه از متاورس و ارزش‌های دیجیتال حائز اهمیت است؛ برای مثال، استفاده از ارزش‌های دیجیتال برای اهداف غیرمشروع مانند پول‌شویی، قمار یا تجارت غیرقانونی، تهدیدی جدی برای اخلاقیات اجتماعی محسوب می‌شود. این مسائل نیازمند تدوین مقررات اخلاقی و نظارتی مناسب است تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود (کاستل، ۱۴۰۲: ۳۰). قاعده «لاضرر و لاضرار فی الإسلام» در این جا می‌تواند راهنمایی برای تنظیم استفاده مشروع از این فناوری‌ها باشد. جنبه دیگر، تأثیرات فرهنگی متاورس است؛ این فضا می‌تواند بستری برای ترویج فرهنگ‌ها و ارزش‌های مختلف باشد، اما ممکن است باعث تضعیف فرهنگ‌های محلی و سنتی شود. ورود کاربران به یک فضای مشترک جهانی که در آن قوانین و ارزش‌های خاصی حاکم است، می‌تواند منجر به همگن‌سازی فرهنگی شود. از سوی دیگر، امکان ایجاد متاورس‌های بومی که بر پایه ارزش‌ها و اصول فرهنگی خاص طراحی شده‌اند، می‌تواند راهی برای حفظ هویت فرهنگی باشد (Apriyani, 2023: 1).

از منظر اجتماعی، مسئله عدالت و دسترسی برابر به متاورس و ارزش‌های دیجیتال اهمیت دارد. این فناوری‌ها به دلیل وابستگی به زیرساخت‌های پیشرفته، ممکن است برای همه اقشار جامعه به طور برابر در دسترس نباشند (عیوضلو و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹). این مسئله می‌تواند منجر به شکاف دیجیتال و افزایش نابرابری‌های اجتماعی شود. فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم و آموزش افراد درباره نحوه استفاده از این فناوری‌ها، می‌تواند به کاهش این شکاف کمک کند (Taddeo, 2021: 1708). علاوه بر این، مسائل روان‌شناختی و سلامت ذهنی کاربران نیز باید مورد توجه قرار گیرد، حضور طولانی‌مدت در فضای مجازی متاورس ممکن است منجر به انزوای

اجتماعی، کاهش تعاملات واقعی و حتی اعتیاد به فناوری شود. از این رو، آگاهی بخشی درباره استفاده متعادل از این فضا و تدوین سیاست‌هایی برای مدیریت زمان حضور در متاورس، ضروری به نظر می‌رسد (Mitrushchenkova, 2022: 794).

به هر جهت، ارتباط این بحث با مسأله مشروعیت ارزش‌های دیجیتال به عنوان وسیله پرداخت در معاملات متاورس آن است که بخشی از مشروعیت فقهی به ابعاد اخلاقی و اجتماعی وابسته است؛ تنظیم دقیق وضعیت حقوقی ارزش‌های دیجیتال و تأمین عدالت اقتصادی در کشورهای اسلامی می‌تواند به ترویج اخلاقی معاملات در متاورس کمک کند. این هماهنگی میان قانون و شریعت، مشروعیت معاملات دیجیتال را در متاورس تقویت خواهد کرد.

۵. وضعیت ارزش‌های دیجیتال به عنوان وسیله پرداخت در نظام حقوقی ایران

وضعیت حقوقی ارزش‌های دیجیتال به عنوان وسیله پرداخت در ایران موضوعی پیچیده و مورد بحث است که شامل جنبه‌های قانونی، اقتصادی و فقهی می‌شود. به طور کلی، سیاست‌گذاری‌های کلان در این حوزه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دیگر نهادهای اقتصادی کشور انجام می‌شود. این سیاست‌ها با هدف حفظ حاکمیت پول ملی، کنترل تورم و جلوگیری از جرائم اقتصادی مانند پول‌شویی اتخاذ شده است.^{۱۵} بانک مرکزی ایران استفاده از ارزش‌های دیجیتال را به عنوان ابزار پرداخت برای کالاها و خدمات در داخل کشور ممنوع اعلام کرده است. هدف از این ممنوعیت، حمایت از ریال به عنوان واحد پول رسمی کشور و جلوگیری از جایگزینی آن با ارزش‌های دیجیتال غیرمتمرکز مانند بیت کوین است. این تصمیم به ویژه در راستای پیشگیری از بی‌ثباتی مالی و اقتصادی اتخاذ شده، زیرا پذیرش گسترده ارزش‌های دیجیتال می‌تواند تأثیر منفی بر کنترل بانک مرکزی بر سیاست‌های پولی داشته باشد. با این حال، استفاده از ارزش‌های دیجیتال برای سرمایه‌گذاری یا معاملات بین افراد، در چهارچوب قوانین جاری، جرم محسوب نمی‌شود؛ کاربران می‌توانند این ارزش‌ها را از صرافی‌های دیجیتال خریداری کنند یا به مبادله آن‌ها بپردازند، اما هیچ گونه حمایتی از سوی قانون در صورت بروز اختلاف یا مشکلات مرتبط با این معاملات وجود ندارد. از این رو، قانون ارز دیجیتال در ایران تغییر کرد؛ آیین‌نامه اجرایی

^{۱۵} برای اطلاعات بیش‌تر بنگرید به مصوبه جلسه سی‌ام شورای عالی مبارزه با پول‌شویی (۱۳۹۶/۱۰/۹).

استخراج فرآورده‌های پردازشی رمزنگاری‌شده (۱۳۹۸/۵/۱۳) ابلاغ و مالکیت و استخراج ارز دیجیتال در ایران با اخذ مجوز از وزارت صمت، قانونی شد. به‌واقع، مفاد این مصوبه دلالت بر این امر دارد که، استفاده و خرید و فروش رمزارز مجاز است، اما دولت و نظام بانکی ارزش ذاتی رمزارز را تضمین نمی‌کند. این وضعیت باعث می‌شود که افراد با آگاهی از ریسک‌های بالقوه وارد این بازار شوند. از سوی دیگر، استخراج ارزهای دیجیتال (ماینینگ) در ایران تحت قوانین مشخصی مجاز است که عبارت است از آیین‌نامه استخراج رمزارزهای مصوب ۱۴۰۱/۹/۱ هیأت وزیران؛^{۱۶} دولت ایران با صدور مجوز برای ماینرها و تعیین تعرفه‌های خاص برق برای این فعالیت، آن را به‌عنوان یک صنعت به رسمیت شناخته است. این مجوزها توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت صادر می‌شوند و ماینرها ملزم به رعایت استانداردها و قوانین مرتبط هستند. درآمدهای حاصل از استخراج نیز می‌تواند در برخی شرایط خاص، مانند صادرات غیرنفتی، مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت با افزایش کاربران ارزهای دیجیتال در ایران، صرافی‌های ارز دیجیتال زیادی در ایران شروع به فعالیت کردند؛ به همین جهت، بانک مرکزی شرایط و ضوابط پلتفرم‌های خرید و فروش ارز دیجیتال را تنظیم و ارائه کرد که ماحصل آن بخشنامه دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۱۴۰۰/۳/۹ بود. طبق این مصوبه، تأسیس و ثبت صرافی و اشتغال به عملیات صرافی صرفاً در چهارچوب مصوبات شورای پول و اعتبار، مفاد دستورالعمل مذکور، سایر قوانین و مقررات ذیربط و بخشنامه‌های بانک مرکزی و با اخذ مجوز از بانک مرکزی و با تأیید مکان صرافی از سوی مراجع ذی‌صلاح مجاز است. هم‌چنین، طبق ماده ۲۳ این دستورالعمل، هرگونه عملیات صرافی در بسترهای معاملاتی برخط داخلی و استفاده از رمزارزهای استخراج‌شده داخلی برای واردات صرفاً بر اساس ضوابط ابلاغی بانک مرکزی قابل انجام است. بنابراین، طبق این دستورالعمل استفاده از رمزارز با رعایت ضوابط بانک مرکزی، برای واردات مجاز است.

چالش‌های قانونی و حقوقی مرتبط با ارزهای دیجیتال در ایران، از جمله نبود قوانین جامع برای تنظیم مالکیت، انتقال و استفاده از این ارزها، نیازمند توجه بیش‌تری است. برای مثال، در صورت بروز اختلاف در معاملات ارزهای دیجیتال، قوانین فعلی ممکن است نتوانند به‌طور کامل پاسخ‌گو باشند. این خلأ قانونی، ضرورت تدوین مقررات جدید و شفاف برای این حوزه را برجسته می‌کند. در مقایسه با برخی کشورهای اسلامی که سیاست‌های مشابهی را برای مدیریت ارزهای دیجیتال اتخاذ کرده‌اند، ایران می‌تواند از تجربیات آن‌ها بهره‌مند شود. به‌عنوان مثال، کشورهایمانند امارات متحده عربی و مالزی با تدوین مقررات شفاف برای

¹⁶ <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1755460> (last visit: 2025/1/25)

معاملات ارزهای دیجیتال و ایجاد چهارچوب‌های قانونی برای حمایت از کاربران، به توسعه این بازار کمک کرده‌اند. امارات، به‌ویژه با تأسیس مراکز ویژه برای فناوری بلاک چین و ارزهای دیجیتال، تلاش کرده است تا به یک قطب جهانی در این زمینه تبدیل شود.^{۱۷} ایران می‌تواند با الگوبرداری از این کشورها، چهارچوب‌های قانونی منسجم‌تری را تدوین کند که در عین حفظ حاکمیت پول ملی، از فرصت‌های اقتصادی مرتبط با ارزهای دیجیتال نیز بهره‌برداری نماید. این رویکرد می‌تواند شامل تنظیم قوانین برای معاملات داخلی، تعیین شرایط استفاده از ارزهای دیجیتال در تجارت بین‌المللی، و ارتقای آگاهی عمومی در خصوص ریسک‌ها و مزایای این فناوری باشد.

۶. نتیجه‌گیری

ارزهای دیجیتال و فناوری متاورس به عنوان ابزارهای نوین اقتصادی، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای تحول در تعاملات اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کنند، اما پذیرش و انطباق آن‌ها با اصول شرعی و حقوقی نیازمند تحلیل دقیق و تدوین مقررات جامع است. یکی از یافته‌های کلیدی این نوشتار آن است که ارزهای دیجیتال به دلیل دارا بودن ارزش اقتصادی و پذیرش عقلایی، قابلیت تطبیق با قاعده "ما یرغب فیه العقلاء فهو مال" را دارند. این ارزش‌گذاری که بر مبنای توافق عمومی کاربران و بازار جهانی صورت می‌گیرد، می‌تواند از نظر فقهی توجیه‌پذیر باشد، به شرط آن‌که کاربرد آن‌ها در چهارچوب‌های مشروع و بدون ابهام صورت گیرد. علاوه بر این، فناوری بلاک چین و قراردادهای هوشمند، به عنوان زیرساخت‌های ارزهای دیجیتال و متاورس، ابزارهایی برای کاهش غرر و ابهام در معاملات فراهم می‌کنند. این فناوری‌ها با ایجاد شفافیت و ثبت غیرقابل تغییر تراکنش‌ها، امکان نظارت و اعتمادسازی را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهند و می‌توانند در راستای رفع یکی از موانع مهم شرعی یعنی ابهام و غرر در معاملات، نقش مؤثری ایفا کنند. تحلیل تطبیقی وضعیت حقوقی ارزهای دیجیتال در ایران و برخی کشورهای اسلامی نشان داد که فقدان مقررات جامع و شفاف در این حوزه، یکی از موانع اصلی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های این فناوری‌ها است. کشورهای پیشرو در زمینه فناوری، نظیر

^{۱۷} برای نمونه بنگرید به مصوبه ۱۱۱ کابینه امارات متحده عربی برای ارائه‌دهندگان خدمات دارایی مجازی (VASPs) مورخ ۲۰۲۳/۱/۱۳، قابل دسترس در:

[https://amluae.com/aml-regulations-for-virtual-assets-service-providers-in-uae/#:~:text=\(111\)%20of%202022%20Concerning%20the,the%20local%20licensing%20authorities%20of,\(last visit: 2025/1/25\)](https://amluae.com/aml-regulations-for-virtual-assets-service-providers-in-uae/#:~:text=(111)%20of%202022%20Concerning%20the,the%20local%20licensing%20authorities%20of,(last%20visit:2025/1/25))

امارات متحده عربی و مالزی، با تدوین مقررات شفاف و هماهنگ با اصول شریعت، نشان داده‌اند که می‌توان از فناوری‌های نوین در راستای اهداف اقتصادی و شرعی بهره برد. این تجربه‌ها می‌توانند الگویی برای نظام حقوقی ایران در تنظیم مقررات مرتبط با ارزشهای دیجیتال و متاورس فراهم کنند. نتایج این تحقیق هم‌چنین حاکی از آن است که متاورس به عنوان بستری برای تبادل دارایی‌های مجازی، می‌تواند زمینه‌ساز فرصت‌های اقتصادی جدید باشد، اما این فرصت‌ها در صورتی قابل بهره‌برداری است که اصولی هم‌چون مشروعیت موضوع معامله، عدالت اقتصادی و رعایت موازین اخلاقی و اجتماعی در آن رعایت شود. در این راستا، تدوین مقررات شفاف که علاوه بر تضمین امنیت و شفافیت معاملات، به رفع چالش‌های شرعی نیز توجه داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد. بنابر آنچه گفته شد، ارزشهای دیجیتال و معاملات متاورسی، با وجود چالش‌های موجود، در صورت مدیریت صحیح و تطبیق با اصول فقه اسلامی، قابلیت‌های فراوانی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع اسلامی دارند. برای نیل به این هدف، لازم است که از یک سو، نظام‌های حقوقی با استفاده از تجربیات موفق سایر کشورها، مقررات دقیقی برای تنظیم این فناوری‌ها وضع کنند و از سوی دیگر، فقه اسلامی با بهره‌گیری از اجتهاد پویا، چهارچوب‌هایی را برای پذیرش این نوآوری‌ها ارائه دهد. چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز تلفیق موفقیت‌آمیز فناوری‌های نوین با اصول شریعت و ایجاد بستری برای رشد پایدار اقتصادی و اجتماعی باشد.

۷. منابع

(الف) به فارسی

- آذری، سکینه و افصلی‌گروه، روح‌الله و تارم، میثم (۱۴۰۰). بررسی احکام فقهی ارز مجازی؛ مطالعه موردی بیت‌کوین، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال ۳، ش ۴: ۱۲۲-۱۰۱.
- اخوان، پیمان (۱۳۹۶). ارزشهای دیجیتال بیت‌کوین بلاک‌چین و مفاهیم پایه، تهران: آتی‌نگر.
- ارزانیان، نسترن و اسدی، فاطمه و فرزین‌فر، به‌آرا (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی معاملات بر پایه ارز دیجیتال از منظر فقه امامیه و نقش زنجیره بلوکی در صنایع مختلف، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال ۲، ش ۴: ۷۷-۶۲.
- اکبرنژاد، محمدتقی (۱۳۸۹). حجیت ذاتی بناهای عقلایی و تأثیر آن در فقه و اصول فقه، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، سال هفتم، ش ۶۴: ۳۷-۱۷.
- چیت‌سازیان، مرتضی و خورسندی، زهرا (۱۴۰۰). دوفصلنامه علمی فقه مقارن، سال ۹، ش ۱۷: ۱۳۴-۱۱۵.
- خورسندی کوجصفهانی، زهرا و چیتسازیان، مرتضی (۱۴۰۰). واکاوی ارزشهای دیجیتال از منظر فقه و حقوق، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، ش ۲: ۲۴-۱.

- شعبانی، امیرحسین و محسنی‌دهکلانی، محمد و ابراهیمی، سعید (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی قانونی‌سازی بیت کوین، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۴، ش نخست: ۲۳۸-۲۰۹.
- شمشیری، علیرضا و امیرآبادی‌فراهانی، فرشته (۱۴۰۲). معامله زمین مجازی در متاورس و چالش‌های فقهی و حقوقی آن، دوفصلنامه مطالعات فقه و حقوق رسانه، دوره پنجم، ش ۲، پیاپی ۱۰: ۶۷-۴۵.
- شیرانی، مسعود و طلاکش، ملیکاسادات (۱۴۰۰). قانون‌گذاری بلاک‌چین در ایران، چین و انگلستان، فصلنامه تمدن حقوقی، ش ۷.
- صالح‌آبادی، علی (۱۳۸۵). بازارهای مالی اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چ نخست.
- عباسیان، عزت‌الله و فرزندگان، الهام و نصیرالاسلامی، ابراهیم (۱۳۹۴). بی‌قاعدگی حباب قیمتی در بورس اوراق بهادار تهران، رویکرد محدودیت، مجله پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۳، ش ۷۶.
- عبدی‌پورفرد، ابراهیم و وصالی‌ناصح، مرتضی (۱۳۹۶). توسعه مفهوم و مصادیق مال در فضای مجازی (مطالعه تطبیقی مالیت داده‌ها رایانه‌ای در حقوق اسلام، ایران و کامن‌لا)، فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال چهارم، ش نخست: ۱۱۲-۸۷.
- علوی‌قزوینی، سیدعلی و مسعودیان زاده، سید ذبیح‌الله (۱۳۹۳). قاعده «من له الغنم فعليه الغرم»، فصلنامه پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، دوره جدید، ش نخست، پیاپی ۴، ۹۱-۷۵.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳). قاعده نفی غرر در معاملات، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۳، ش ۹: ۱۰۶-۸۹.
- عیوضلو، حسین و موسویان، سیدعباس و رضایی صدرآبادی، محسن و نوری، جواد (۱۳۹۸). تحلیل فقهی-اقتصادی استخراج ارزهای مجازی در نظام اقتصادی اسلام؛ مطالعه موردی بیت‌کوین، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال ۱۱، ش نخست، پیاپی ۲۱: ۷۲-۵۷.
- قوامی پورسرشکه، محدثه و محمودی، امیررضا (۱۴۰۱). چالش‌های حقوقی ارزهای دیجیتال با رویکردی بر بزه پولشویی، مطالعات حقوقی فضای مجازی، سال نخست، ش ۳: ۵۲-۳۷.
- کاستل، ادواردو (۱۴۰۲). تأثیرات چت جی‌بی‌تی و هوش مصنوعی بر جامعه ما؛ ترجمه ب. بی‌نیاز(داریوش)، کتاب نخست، قابل دسترس در: https://www.iran-emrooz.net/PDF/ChatGPT_AI.pdf
- مجاهد، میترا و رجب‌زاده، علیرضا و الهی، محمد (۱۴۰۳). بررسی مشروعیت اموال مجازی با تأکید بر ارز دیجیتال (کریپتوکارنسی)، نشریه علمی مطالعات نوین علوم انسانی در جهان، ج ۵، ش ۲: ۱۶-۱.
- محبی‌پور، نرجس‌خاتون و زارع، مهدی و رمضانی، محمد و خسروی‌نیا، بابک (۱۴۰۱). ارزهای دیجیتال از منظر فقه با تأکید بر استخراج، معاملات و مشروعیت، ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال ۵، ش ۱۰: ۳۳۶۳-۳۳۴۶.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱). تأثیر استخراج رمزارز بر پایداری شبکه برق ایران، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه فناوری اطلاعات و ارتباطات).
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۹). ضابطه مال بودن در مباحث فقهی، فصلنامه علمی و اقتصاد اسلامی، ش ۷۹.

ب) به عربی

- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چ نخست، ج نخست.
- خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵). جامع المدارک، تهران: مکتبه الصدوق، ج ۲، ج ۳.
- طباطبائی یزدی، سیدمحمد کاظم (۱۴۳۰). عروه الوثقی، قم: موسسه السبطين علیهما السلام العالمیه، ج ۲.

- موسوی‌الخمینی، روح‌الله (۱۴۲۱). کتاب‌البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چ نخست، ج نخست.
- نجفی، محمدحسین (۱۴۰۰ق). جواهر الکلام، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

ج) به انگلیسی

- Antonopoulos, Andreas M (2017). *Mastering Bitcoin: Programming the Open Blockchain*, O'Reilly Media, 2nd.
- Apriyani, Nevikasari (2023). *THE IMPACT OF SOCIAL INTERACTION IN THE DIGITAL AGE ON THE REAL WORLD*. *OSF Preprints*: 1-19.
- Ball, M. (2022). *The Metaverse: And How it Will Revolutionize Everything*. *Liveright Publishing*.
- BEZHOVSKI, Zlatko & DAVCEV, Ljupco & MITREVA, Mila (2021). *CURRENT ADOPTION STATE OF CRYPTOCURRENCIES AS AN ELECTRONIC PAYMENT METHOD*, *Management Research and Practice Volume 13, Issue 1*: 44-50.
- Boehm, Franziska, and Paulina Pesch, 2014, **Bitcoin: A First Legal Analysis**, In *International Conference on Financial Cryptography and Data Security*, Springer, Berlin, Heidelberg
- Elwell, Craig Kent, M. Maureen Murphy, Michael V. Seitzinger, and Edward Vincent Murphy, 2013, *Bitcoin: questions, answers, and analysis of legal issues*
- Fu, Yuchuan & Li, Changle & Yu, F. Richard (2023). *A Survey of Blockchain and Intelligent Networking for the Metaverse*, *IEEE Internet of Things Journal* (Volume: 10, Issue: 4: 3587-3610.
- Kaplan, A. M., & Haenlein, M. (2009). *The fairyland of Second Life: Virtual social worlds and how to use them*. *Business Horizons*, 52(6), 563-572
- Knapp, Georg Friedrich (2013). *The State Theory of Money*, pub: Martino Fine Books
- Luther, W.J., 2016, *Bitcoin and the future of digital payments*, *The Independent Review*, 20(3).
- Mitrushchenkova, Anastasia N (2022). *Personal Identity in the Metaverse: Challenges and Risks*, *Kutafin Law Review Volume 9 Issue 4*: 793-817.
- Taddeo, Mariarosaria & McNeish, David & Blanchard, Alexander & Edgar, Elizabeth (2021). *Ethical Principles for Artificial Intelligence in National Defence*, *Philosophy & Technology* (2021) 34:1707– 1729.
- Tegmark, Max (2018). *Life 3.0: Being Human in the Age of Artificial Intelligence*, pub Vintage.
- Werbach, Kevin (2018). *The Blockchain and the New Architecture of Trust*, pub: MIT Press.
- Zetzsche, Dirk A. & Arner, Douglas W. & Buckley, Ross P. (2020). *Decentralized Finance*, *Journal of Financial Regulation*, 6: 172–203.